

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی پژوهی، سال چهارم ♦ شماره ۸ ♦ پاییز و زمستان ۱۳۹۷
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۱ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۴/۲۸ ♦ صفحات: ۶۸-۴۷

نفع بردن اموات از ثواب اعمال زنده‌ها از نگاه سلفیه و اهل سنت

سید ابوالحسن نواب*

سیدمصطفی عبدالله‌زاده**

چکیده

یکی از مسائلی که مورد تایید جمهور مذاهب اسلامی و سلف و حتی برخی از سلفیه و وهابیت است، مسئله نفع بردن اموات از ثواب اعمال زنده‌ها می‌باشد؛ اما برخی از سلفیه و وهابی‌ها، قرائت قرآن و نماز برای مردگان را بدعت می‌دانند؛ اگرچه طبق ادعای خودشان در مواردی که نص وارد شده (مثل صدقه برای میت، ذبح و قربانی برای میت به‌عنوان صدقه، دعا و استغفار و...) را قبول دارند که میت از عمل دیگران نفع می‌برد؛ از آنجایی که نفع بردن اموات از ثواب تمام اعمال زنده‌ها از نظر اهل سنت، سلفیه و وهابیت خوب تبیین نشده است، لذا بر آن شدیم در این نوشتار به بررسی نفع بردن اموات از ثواب تمام اعمال زنده‌ها بپردازیم؛ با تحقیقات انجام‌شده، این نتیجه به‌دست می‌آید، علمای اهل سنت مانند نووی و سیوطی اتفاق دارند، قرائت قرآن بعد از دفن سنت است و نزد جمهور اهل سنت و سلف و برخی از سلفیه و وهابیت مانند (ابن تیمیه، ابن قیم، ابن عثیمین و...)، ثواب اعمال زنده‌ها مانند قرائت قرآن، نماز و... به اموات می‌رسد؛ اما در مقابل، برخی از سلفی‌ها و وهابیت مانند البانی، بن‌باز و دیگران، معتقد هستند، چنین عملی بدعت است و اشکالاتی بر رد این مسئله می‌آورند و علمای اهل سنت و برخی از سلفیه و وهابیت، پاسخ آن اشکالات را می‌دهند و ادله‌ای ذکر می‌کنند و می‌گویند: سلف (مانند ابن عمر)، وصیت کرده که بعد از دفن، برای او قرآن قرائت شود.

کلیدواژه‌ها: اموات، ثواب، اعمال زنده‌ها، نفع بردن، سلفیه، وهابیت، اهل سنت..

* دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب؛ s.a.h.navvab@gmail.com

** دانش‌پژوه سطح چهار نقد وهابیت موسسه دارالاعلام؛ seyedmostafa61@yahoo.com

مقدمه

یکی از مسائلی که برخی از سلفی‌ها و وهابی‌ها با دیگر مسلمین و حتی سلفی‌های دیگر اختلاف دارند، نفع بردن میت از اعمال خیر زنده‌ها به طور مطلق و جواز یا عدم جواز هدیه عمل به اموات می‌باشد. شایان ذکر است که وهابی‌ها نیز، انتفاع میت از اعمال احیاء را قبول دارند؛ ولی نه به صورت مطلق، بلکه در مواردی که نص وارد شده (مثل صدقه برای میت، ذبح و قربانی برای میت به عنوان صدقه، دعا و استغفار، ذبح و قربانی، قضای روزه فوت شده میت و حج و عمره فوت شده میت)، را قبول دارند که میت از آن عمل دیگران نفع می‌برد و هدیه ثواب آن عمل برای میت اشکال ندارد و جایز است؛ چنانچه مفتی‌های وهابی در فتاوی "اللجنة الدائمة" به جواز این امور فتوا داده‌اند؛^۱ همچنین بن باز می‌گوید: به اجماع مسلمانان، صدقه برای مردگان و دعا برای آنها به نفع آنها است و به آنها می‌رسد.^۲ بن باز در جای دیگر می‌گوید: برای اموات دعا، استغفار، صدقه، ذبح و قربانی، روزه قضا، اداء دین، حج و عمره انجام می‌شود و این امور برای اموات نفع دارد؛^۳ از نظر این دسته از سلفی‌ها و وهابی‌ها، ثواب اعمالی مانند قرائت قرآن، نماز و... به مردگان نمی‌رسد و در این مسائل آنها ادعا دارند، نصی وارد نشده است؛ در مقابل، علمای اهل سنت و برخی از سلفیه و وهابیت مانند ابن تیمیه، ابن قیم، ابن عثیمین و دیگران، اعتقاد دارند، ثواب قرائت قرآن و نماز به مردگان می‌رسد و برای این مسئله ادله‌ای اقامه می‌کنند؛ از آنجایی که درباره رسیدن ثواب اعمال زنده‌ها به اموات از نظر سلفیه، وهابیت و اهل سنت، کتاب یا مقاله‌ای نوشته نشده، تا نقاط اشتراک و افتراق تبیین گردد و از طرف دیگر، مسئله رسیدن ثواب اعمال زنده‌ها به اموات از جمله مسائلی است که برخی از وهابیت و سلفیه با اهل سنت و سلفی‌های دیگر، اختلاف عمیقی دارند، لذا بر آن شدیم در این نوشتار، رسیدن ثواب اعمال زنده‌ها به اموات از دیدگاه سلفیه، وهابیت و اهل سنت به خوبی تبیین گردد، تا نقطه اشتراک و

۱. دویش، أحمد بن عبدالرزاق، فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، ج ۹، ص ۶۶ و ۶۵ و ۴۵.

۲. بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله، مجموع فتاوی، ج ۴، ص ۳۳۹؛ بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله، فتاوی نور علی الدرب، ج ۱۷، ص ۱۸۷.

۳. بن باز، عبدالعزیز، فتاوی نور علی الدرب، ج ۱۴، ص ۱۹۳ و ۱۹۲ و ۱۴۷.

افتراق بین وهابیت و سلفیه (ابن تیمیه، ابن قیم، البانی، بن باز، ابن عثیمین، صالح فوزان و دیگران) و جمهور علمای اهل سنت روشن شده و حتی نقطه اشتراک و افتراق خود علمای وهابی و سلفی هم تبیین گردیده و دیدگاه وهابیت و سلفیه در مسائل اختلافی (با توجه به متون اهل سنت)، مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

اقوال مخالفین رسیدن ثواب اعمال به اموات

برخی از سلفی‌ها و وهابی‌ها معتقد هستند، میت بعد از موت، نمی‌تواند از برخی اعمال خیر دیگران که به اموات هدیه می‌شود نفعی ببرد و هدیه اعمال خیر (مانند قرائت قرآن، نماز و...)، بر اموات حرام و بدعت است؛ چنانچه مفتی‌های وهابی در لجنه دائمی فتوا، این مطلب را بارها بیان نموده و در پاسخ به سؤالی، قرآن خواندن بر قبور را بدعت دانسته و تصریح کرده‌اند که قرائت قرآن برای مرده جایز نیست و ثواب آن به میت نمی‌رسد؛^۱ همچنین لجنه دائمی فتوا در فتوایی، هدیه ثواب نماز به اموات (حتی والدین) و خواندن قضای نماز میت را تحریم کرده‌اند.^۲

بن باز می‌گوید: قرائت قرآن و نماز برای اموات مشروع نیست؛ چون اصلی ندارد و بدعت است.^۳ بن باز در جایی دیگر می‌گوید: اکثر اهل علم، قرائت قرآن را برای میت جایز می‌دانند؛ ولی افضل نزد من جایز نبودن است؛ چون در این‌باره نقلی از سلف صالح دیده نشده است.^۴ صالح فوزان ادعا می‌کند: قرائت قرآن و فاتحه برای اموات بدعت و مُحدث است. سلف امت نه در مسجد و نه در مقبره و نه در خانه، چنین کاری نکردند؛^۵ همچنین، البانی می‌گوید: سلف صالح چنین کاری نکردند و از سلف، سلام بر قبور آمده و قرائت قرآن نزد آنها بدعت مکروهه است؛ چنان‌که متقدمینی (مثل ابوحنیفه، مالک و احمد)، تصریح به کراهت کردند.^۶ البانی، در ادامه می‌گوید: اگر اثری از ابن عمر وارد شده که وصیت کرده، هنگام دفن بر قبرش قرآن خوانده شود، بر

۱. دویش، أحمد بن عبدالرزاق، فتاوی اللجنه الدائمة للبحوث العلمیه والإفتاء، ج ۹، ص ۴۵-۴۳.

۲. همان، ص ۶۵ و ۶۳ و ۶۲.

۳. بن باز، عبدالعزیز، فتاوی نور علی الدرب، ج ۱۴، ص ۱۹۹ و ۱۹۲ و ۱۴۷.

۴. همان، ج ۱۴، ص ۲۶۷.

۵. فوزان، صالح بن فوزان، مجموع فتاوی فضیلة الشیخ صالح بن فوزان، ج ۱، ص ۲۹۹.

۶. البانی، محمد ناصرالدین، موسوعة العلامة الإمام مجدد العصر محمد ناصر الدین الألبانی، ج ۲، ص ۴۶۷.



فرض که سندش صحیح باشد، بر قرائتِ هنگامِ دفن حمل می‌شود؛ نه اینکه مطلقاً بر سر قبر قرآن قرائت شود.

اقوال موافقین رسیدن ثواب اعمال به اموات

در مقابل این کلام علمای وهابی و سلفی، علمای اهل سنت و برخی از علمای سلفی و وهابی (مثل ابن تیمیه، ابن قیم، نعمان بن محمود آلوسی، شوکانی، ابن عثیمین)، قائل هستند که ثواب نماز و قرائت قرآن و تمام خوبی‌ها به اموات می‌رسد؛ در ادامه، به برخی از این اقوال اشاره می‌کنیم.

علمای سلفی و وهابی

ابن تیمیه می‌گوید: مذهب احمد و ابی حنیفه و مالک و طائفه‌ای از اصحاب شافعی و مالک می‌گویند: ثواب صوم و نماز و قرائت قرآن به میت می‌رسد.^۱ خود ابن تیمیه هم همین قول را می‌پذیرد و برای آن ادله زیادی ذکر می‌کند؛ چنانچه نعمان بن محمود آلوسی هم می‌گوید: اهل سنت و جماعت معتقدند که ثواب صوم و نماز و قرائت قرآن و تمام خوبی‌ها به میت می‌رسد.^۲ ابن قیم می‌گوید: جماعتی از سلف وصیت کردند، هنگام دفن بر سر قبرشان قرآن تلاوت شود؛ چنانچه عبدالله بن عمر چنین وصیتی کرد؛ احمد هم تا زمانی که اثر به او نرسیده، انکار می‌کرد و می‌گفت: قرائت قرآن نزد قبر بدعت است؛ ولی بعدها از این نظریه برگشت و گفت قرائت قرآن بر سر قبر، هنگام دفن بدعت نیست.^۳ ابن قیم در ادامه می‌گوید: شافعی هم قرائت نزد قبر را جایز می‌داند. ابن قیم می‌گوید: مذهب احمد و جمهور سلف و قول بعضی از اصحاب ابوحنیفه این است که ثواب صوم و نماز و قرائت قرآن به میت می‌رسد.^۴ ابن عثیمین می‌گوید: آنچه که نزد من ترجیح دارد این است که ثواب تمام اعمال صالح، اعم از قرائت و نماز و ذکر به میت می‌رسد؛ مگر اعمال واجب که ثوابش برای خود مکلف است؛ در ادامه می‌آورد که

۱. ابن تیمیه حرانی، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۲۴، ص ۳۶۶؛ ابن تیمیه، احمد، اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة أصحاب الحجیم، ج ۲، ص ۲۶۲.

۲. آلوسی، نعمان بن محمود، الآیات البینات فی عدم سماع الأموات علی مذهب الحنفیة السادات، ص ۹۱.

۳. ابن قیم، محمد بن ابی بکر، الروح فی الکلام علی أرواح الأموات والأحیاء بالادلة من الکتاب والسنة، ص ۱۰.

۴. همان، ص ۱۱۷.

هدیه این اعمال به میت جایز است، ولی سنت نیست و اگر کسی این کار را بکند ثوابش به میت می‌رسد؛ لذا سنت این است که دعا برای میت خوانده شود؛^۱ البته ابن عثیمین، قرآن خواندن روی قبر را بدعت می‌داند و قائل است که ثواب قرآن خواندن روی قبر به مرده نمی‌رسد؛ ولو اینکه میت نسبت به این تلاوت قرآن سماع دارد؛ چون کار بدعی است و در کار بدعی ثواب مترتب نمی‌شود.^۲ شوکانی می‌آورد: ثواب نماز از طرف فرزند به پدر و مادر می‌رسد و اگر میت قبل از مرگ به خواندن قرائت قرآن وصیت کند، جایز است و ثواب می‌رسد؛ چنانچه در روایات آمده است.^۳

علمای اهل سنت

نووی در اذکار می‌نویسد: نزد شافعی و اصحاب شافعی، قرائت قرآن در کنار قبر، بعد از دفن مستحب است؛ حتی اگر قرآن کنار قبر ختم شود نیکو است.^۴ سیوطی می‌نویسد: جمهور سلف و ائمه ثلاثه (ابوحنیفه، مالک، احمد)، بر این هستند که ثواب قرائت قرآن به میت می‌رسد و امام ما شافعی، مخالفت کرده است؛^۵ در ادامه سیوطی می‌آورد که در مشروعیت قرائت قرآن کنار قبر، بعد از دفن اصحاب، ما (شوافع) و غیر اصحاب ما (احناف، مالکی‌ها، حنابله)، به آن جزم دارند و بر آن اتفاق دارند؛ البته خود سیوطی نظر جمهور سلف را قبول دارد؛ چون به استدلال شافعی به آیه ۳۹ سوره نجم ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾، جواب می‌دهد و می‌گوید: مجموع احادیث وارده، دلالت دارد بر اینکه برای ثواب قرائت قرآن اصلی است و مسلمانان در هر عصری، همیشه جمع می‌شدند و قرآن قرائت می‌کردند و این خودش دلالت بر اجماع مسلمانان است و مقدسی حنبلی در کتابی درباره هدیه به اموات، مستندات زیادی جمع کرده است.^۶ ابن قدامه مقدسی بعد از اینکه کلام احمد و روایات را در این مسئله ذکر می‌کند می‌گوید: دلیل ما بر رسیدن ثواب قرائت قرآن، علاوه بر روایات مذکور این است که اجماع مسلمانان بر

۱. ابن عثیمین، محمد بن صالح، فتاوی نور علی الدرب، جزء ۱۹۹، ص ۴۴-۴۳.

۲. ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل، ج ۲، ص ۳۰۷.

۳. شوکانی، محمد بن علی، الفتح الربانی، ج ۸، ص ۴۱۵۱ و ۴۱۴۸.

۴. نووی، یحیی بن شرف، الأذکار للنووی، ص ۲۸۹.

۵. سیوطی، عبدالرحمن، شرح الصدور بشرح حال الموتی والقبور، ص ۳۰۲.

۶. همان، ص ۳۰۲.



این است که در هر عصری و در هر شهری، مسلمانان جمع می‌شوند و قرائت قرآن می‌کنند و ثوابش را به مردگان خودشان هدیه می‌دهند. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده: میت به گریه کردن اهلش عذاب می‌بیند و خداوند بالاتر از این است که عقوبت معصیت را به مرده برساند؛ ولی مرده را از رسیدن ثواب، محجوب و محروم کند؛^۱ چنان‌که کاسانی هم می‌گوید: عمل مسلمانان از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا زمان ما بر این بود، زیارت قبور می‌رفتند و برای اموات قرآن می‌خواندند و صدقه می‌دادند و روزه و نماز می‌خواندند و ثوابش را به اموات هدیه می‌دادند و منع عقلی در این عمل وجود ندارد؛ چون اعطای ثواب از خداوند، فضل خداوند را می‌رساند.^۲ شوکانی از نووی نقل می‌کند: نووی قائل است که ثواب قرائت قرآن به میت می‌رسد؛ چراکه قرائت قرآن، دعا برای میت است.^۳ ملاعلی قاری از نووی و عبدالحق و احمد و دیگران روایت نقل می‌کند که ثواب قرآن به میت می‌رسد.^۴ ابن همام می‌گوید: قرائت کنار قبر جایز است و کراهت ندارد.^۵ ابن عابدین وقتی روایات نماز و قرائت قرآن برای اموات را می‌آورد می‌گوید: انتفاع عمل غیر برای میت به حد تواتر رسیده است.^۶ ابن نجیم می‌آورد: ثواب نماز و روزه و دعا و ذکر و قرائت قرآن و حج و صدقه و غیر اینها، نزد اهل سنت و جماعت به میت می‌رسد.^۷

بنابراین علمای اهل سنت (اعم از شافعیه، مالکیه، حنفیه و حنابله) اتفاق دارند که قرائت قرآن بعد از دفن، سنت و مستحب است؛ چنان‌چه نووی و سیوطی ادعای اتفاق کردند؛ گرچه بعضی از شوافع و مالکی‌ها، هدیه ثواب قرائت قرآن و نماز به اموات را قبول ندارند؛ ولی جمهور سلف و ائمه‌ی اهل سنت (ابوحنیفه، مالک، احمد) و بسیاری از علمای اهل سنت، هدیه ثواب اعمال اعم از قرائت قرآن و نماز و... را به اموات جایز و سنت می‌دانند.

۱. ابن قدامة، عبدالله، المغني لابن قدامة، ج ۲، ص ۴۲۴.

۲. کاسانی، أبوبکر، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ۲، ص ۲۱۲.

۳. شوکانی، محمد بن علی، نیل الأوطار، ج ۴، ص ۱۱۳.

۴. قاری، علی بن محمد، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج ۳، ص ۱۲۲۸.

۵. ابن همام، محمد بن عبدالواحد، فتح القدير، ج ۲، ص ۱۴۲.

۶. ابن عابدین، محمد امین، رد المختار علی الدر المختار، ج ۲، ص ۵۶۹.

۷. ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ج ۳، ص ۶۳.

ادله برخی از سلفیه و وهابیت بر بدعی بودن این اعمال

دلیل اول

آیه ۳۹ سوره نجم: ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾؛ و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست. البانی و صالح فوزان به این آیه استدلال می‌کنند که عمل دیگران برای انسان نفعی ندارد و انسان فقط از اعمال خودش نفع می‌برد؛ لذا صلاه و تلاوت قرآن برای میت بدعت است و نفعی برای میت ندارد.^۱

جواب دلیل اول

اولاً: این آیه با روایات و آیات دیگر، مربوط به انجام بعضی از اعمال (مثل دعا، استغفار، صدقه و...) برای میت، تخصیص می‌خورد که بعضی از اعمال میت بعد از مرگش به میت نفع می‌رساند؛ یا اعمال دیگران به میت نفع می‌رساند. وهابیت هم قبول دارد، بعضی از اعمال میت و دیگران به میت نفع می‌رساند و عمومیت آیه را تخصیص می‌زند؛ چنانچه بن‌باز می‌گوید: معنای آیه این نیست که عمل دیگران به انسان نفع نمی‌رساند؛ بلکه معنای آیه این است که انسان فقط از سعی و تلاش خودش نفع می‌برد؛ اما اگر کسی عملی را انجام بدهد و ثوابش را به انسان دیگری هدیه بدهد، ثوابش به آن انسان می‌رسد؛^۲ پس خود وهابیت هم قبول دارند که آیه تخصیص می‌خورد؛ ولی نسبت به نماز و تلاوت قرآن، نص نداریم و باید توقف کنیم؛ چنانچه بن‌باز در ادامه به این نکته اشاره می‌کند و پاسخ این اشکال، در جواب ادله دوم وهابیت داده می‌شود؛ به عبارت دیگر، نزاع با وهابیت، نزاع صغروی است؛ یعنی در مصادیق تخصیص این عام با وهابیت، بحث است؛ گرچه در حجیت عام بعد از تخصیص بین اصولی‌ها اختلاف است؛ همان‌طور که عبدالله صدیق غماری به این نکته اشاره می‌کند.^۳

ثانیاً: ابن تیمیه در مجموع الفتاوی^۴ و سیوطی در شرح الصدور،^۵ جواب علما به این

۱. البانی، محمد ناصرالدین، موسوعة العلامة الإمام مجدد العصر محمد ناصر الدین الألبانی، ج ۹، ص ۴۲؛ فوزان، صالح بن فوزان، الرد علی فیصل مراد علی رضا فیما کتبه عن شأن الأموات وأحوالهم، ص ۱۲ و ۴.
۲. بن‌باز، عبدالعزیز، مجموع فتاوی العلامة عبدالعزیز بن‌باز، ج ۱۶، ص ۴۰۱ و ۴۰۰.
۳. غماری، عبدالله بن صدیق، إتقان الصنعة فی تحقیق معنی البدعة، ص ۷۱.
۴. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۲۴، ص ۳۱۲.
۵. سیوطی، عبدالرحمن، شرح الصدور بشرح حال الموتی والقبور، ص ۳۰۲.



آیه را ذکر می‌کنند که عبارت‌اند از:

الف: این آیه به وسیله آیه ۲۱ سوره طور ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ﴾ نسخ شده است؛ چون خداوند در این آیه، فرزندان مومنین که اهل ایمان هستند را به خاطر صلاح و خوش حالی پدران در بهشت، به پدران‌شان ملحق می‌کند؛ پس آیه ۲۱ سوره طور نشان می‌دهد، عمل دیگران برای انسان نفع دارد. طبری این قول نسخ و این تفسیر را از ابن عباس نقل می‌کند.^۱

ب: این آیه مربوط به قوم حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام است و برای امت اسلام، هم سعی و نفع خود انسان به انسان می‌رسد و هم سعی و نفع دیگران به انسان می‌رسد؛ چنانچه این قول، قول عکرمه است.

ج: مراد از انسان در این آیه، کفار هستند؛ چنانچه این قول، قول ربیع بن انس است؛ پس انسان مومن نفع دیگران هم به او می‌رسد. قرطبی می‌گوید: بسیاری از روایات بر همین قول سوم دلالت دارد که اعمال صالح دیگران به میت می‌رسد.^۲

د: از روی عدل خداوند، نفع عمل هر کسی به خودش برمی‌گردد؛ ولی از روی فضل خداوند، ثواب عمل دیگران هم به او می‌رسد؛ چنانچه این قول، قول حسین بن فضل است. قرطبی درباره قول چهارم می‌گوید: لام در اینجا برای ایجاب است؛ یعنی واجب و ملکیت نیست برای انسان، مگر آن چیزی که خودش سعی کرده است؛ ولی اگر برای انسان صدقه‌ای فرستاده شود، از باب فضل خداوند ثوابش را به آن شخص می‌رساند؛ همان‌طور که کودکان از باب فضل خداوند وارد بهشت می‌شوند.^۳

ذ: لام در لئانسان به معنی (علی) است؛ یعنی گناهی که انسان انجام داده، برای انسان نوشته می‌شود و گناه دیگران برای انسان نوشته نمی‌شود؛ پس آیه مربوط به گناه است؛ اما اعمال صالح برای انسان نوشته می‌شود؛ اعم از اینکه خود شخص انجام دهد یا دیگران انجام دهند و ثوابش را به او هدیه بدهند. قرطبی می‌گوید: طبق بعضی از روایات، احتمال دارد، مراد این آیه فقط گناه باشد.^۴

۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۲۲، ص ۵۴۶.

۲. قرطبی، محمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۷، ص ۱۱۴.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۱۵.

ثالثاً: آنچه در این آیه اثبات شده، وجوب نفع و ثواب از اعمالی که انسان آن را انجام داده است؛ اما اینکه ثواب و نفع اعمال دیگران به انسان نمی‌رسد، به وسیله این آیه نفی نشده است؛ چنانچه ابن صلاح و ابن تیمیه به این نکته اشاره کرده‌اند.^۱ ابن تیمیه وقتی اقوال علما را راجع به این آیه ذکر می‌کند می‌نویسد: نیازی به آن اقوال نیست و ظاهر آیه حق است و نیاز به تاویل نیست و منافاتی با بقیه نصوص ندارد؛ چون انسان طبق این آیه، مالک حق و کسب خودش است و هر چیزی را که انسان انجام داده، نفع می‌برد؛ اما سعی دیگران، حق و ملک دیگران است و انسان مالکِ حق دیگران نیست و این آیه نفی نمی‌کند که انسان، از حق و عمل دیگران نفع و سود ببرد؛^۲ از عبارات ابن قیم در کتاب الروح به دست می‌آید، همین جواب را قبول دارد؛ چون ابن قیم مابقی جواب‌ها را رد می‌کند و در پایان می‌گوید: این جواب، جوابی است که شیخ ما (استاد ما) ابن تیمیه آن را قبول کرده و ترجیح داده است؛ همچنین ابن قیم در جواب دلیل بعدی (روایت)، همین جواب را مطرح می‌کند.^۳ ابن عثیمین می‌آورد: به خاطر نصوص زیادی (رسیدن ثواب دیگران به میت) که وارد شده، مراد از این آیه این نیست که انسان از ثواب سعی دیگران، چیزی را مستحق نیست.^۴ عبدالله صدیق غماری می‌آورد: این آیه می‌خواهد برساند، انسان مالک سعی خودش است و مالک ثواب سعی دیگران نیست؛ مگر اینکه دیگران ثواب سعی خودشان را به انسان هدیه بدهند؛ لذا خداوند نفرموده است: «لا ینتفع إلا بما سعی».^۵

دلیل دوم

مسلم و دیگران، روایتی از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند که می‌فرماید: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ: إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ».^۶ این حدیث یکی از ادله‌ای است که علمای وهابی (بن باز، البانی، صالح فوزان و

۱. ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن، فتاوی ابن‌الصلاح، ص ۱۴۹؛ ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۲۴، ص ۳۱۲.

۲. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۲۴، ص ۳۶۷ و ۳۱۲.

۳. ابن قیم، محمد بن ابی‌بکر، الروح فی الکلام علی أرواح الأموات والأحیاء بالدلائل من الکتاب والسنة، ص ۱۲۹-۱۲۵.

۴. ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی ورسائل، ج ۲، ص ۳۱۱-۳۱۰.

۵. غماری، عبدالله بن صدیق، إتقان الصنعة فی تحقیق معنی البدعة، ص ۷۲.

۶. نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۲۵۵؛ ابوداود سجستانی، سلیمان، سنن ابی‌داود، ج ۳، ص ۱۱۷.



دیگران)، برای بدعی بودن قرائت قرآن و نماز و دیگر حسنات برای اموات، استدلال می‌کنند به اینکه عمل انسان بعد از مرگش قطع می‌شود و ثوابش به خود انسان نمی‌رسد؛ مگر در این سه مورد (صدقه جاریه، علم که نفع می‌رساند، و دعای فرزند صالح) و جاهایی (مثل حج و عمره، قضای روزه، ذبح و قربانی، دعا و استغفار) که در آن عبادت، نص وارد شده است؛ چراکه عبادات توفیقی است و باید اکتفا به نص شود و طبق این حدیث، قرائت قرآن و نماز و... مشروع نیستند و ثواب این اعمال به میت نمی‌رسد؛ چون اعمال انسان قطع شده است.^۱

جواب دلیل دوم

اولاً: حدیث ناظر به اعمالی است که خود انسان در حال حیات انجام می‌دهد و با مرگ منقطع می‌گردد؛ مگر در صورتی که برای آن عمل استمرار باشد؛ همانند موارد سه گانه- ای که در این حدیث استثناء شده است؛ اما نفع اعمال دیگران به میت نفی نشده است؛ پس در این روایت، عمل خود انسان قطع شده است؛ اما ثواب عمل دیگران نفی و قطع نشده و انتفاع عمل دیگران که به میت هدیه بدهند قطع نشده است؛ همان طور که ابن- تیمیه و ابن صلاح و ابن قیم و ابن عثیمین این جواب را بیان کرده‌اند.^۲ ابن عثیمین در ادامه می‌آورد که به خاطر همین، پیامبر ﷺ نفرمود: «انقطع العمل له»؛ بلکه عمل خود شخص قطع شده، نه اینکه عمل به طور مطلق (و لو از دیگران)، قطع شده باشد.

ثانیاً: در پاسخ به اینکه وهابیت می‌گوید، عبادات توفیقی است و در عبادات از قیاس استفاده نمی‌شود باید گفت که اولاً، قیاسی که در اینجا استفاده می‌شود قیاس اولویت است؛ چنان که ابن قیم می‌گوید: وقتی ثواب روزه‌ای که مجرد ترک و نیت قلبی است به میت می‌رسد، به طریق اولی ثواب قرائتی که عمل با لسان است و گوش می‌شنود و چشم

۱. دویش، أحمد بن عبدالرزاق، فتاوی اللجنته الدائمة للبحوث العلمیه والإفتاء، ج ۹، ص ۵۶؛ بن باز، عبدالعزیز، فتاوی نور علی الدرر، ج ۱۴، ص ۱۹۵؛ فوزان، صالح بن فوزان، الرد علی فیصل مراد علی رضا فیما کتبه عن شأن الأموات وأحوالهم، ص ۱۲ و ۴؛ البانی، محمد ناصرالدین، موسوعة العلامة الإمام مجدد العصر محمد ناصر الدین الألبانی، ج ۹، ص ۴۵.
 ۲. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۲۴، ص ۳۱۲؛ ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن، فتاوی ابن الصلاح، ص ۱۴۹؛ ابن قیم، محمد بن ابی بکر، الروح فی الکلام علی أرواح الأموات والأحیاء بالدلائل من الکتاب والسنة، ص ۱۲۹؛ ابن- عثیمین، محمد بن صالح، فتاوی نور علی الدرر، جزء ۱۹۹، ص ۴۳-۴۴؛ ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی ورسائل، ج ۲، ص ۳۱۲.

می‌بیند، به میت می‌رسد.^۱ قیاسی که در اینجا استفاده شده است قیاس جلی (آشکار) است؛ چون قرائت قرآن عبادت است و هیچ فرقی بین قرائت قرآن و سایر عبادات (صدقه، روزه، حج و دعا) نیست؛ لذا خلافتی در حجیت قیاس جلی و عمل به آن نیست؛ چنان‌که عبدالله بن صدیق غماری به این نکته اشاره کرده است؛^۲ ثانیاً ابن‌قیم می‌گوید: عبادات بر دو قسم مالی و بدنی تقسیم می‌شود و شارع می‌خواهد ما را آگاه کند که با رسیدن ثواب صدقه به میت، ثواب سایر عبادات مالی هم به میت می‌رسد؛ همچنین، با رسیدن ثواب روزه به میت، ثواب سایر عبادات بدنی هم به میت می‌رسد.^۳ اگر هم در روایات اسمی از حج و روزه و صدقه آمده، ولی اسمی از قرائت نیامده، به-دلیل این است که سائل از پیامبر ﷺ از این مسائل پرسیده و پیامبر ﷺ پاسخ داده‌اند و این امور را اذن داده و غیر از این امور را نفی و منع نکرده است؛^۴ در واقع طبق این بیان ابن‌قیم، معلوم می‌گردد در اینجا ابن‌قیم از سنت ترکیه برای منع قرائت قرآن استفاده نمی‌کند که پیامبر ﷺ بیان نکرده، پس حرام و بدعت است؛ چنان‌که بعضی از وهابیان امروزی (مثل صالح فوزان و بن‌باز)، از سنت ترکیه استفاده می‌کنند؛ همچنین ابن‌عثیمین می‌آورد: مراد از عباداتی (صدقه و حج و روزه و دعا و استغفار و...) که در روایات برای هدیه به میت اجازه داد شده است، جنس عبادات است و فرد ملاک نیست؛ حالا فرد هر چه باشد؛^۵ پس از نگاه ابن‌عثیمین، ملاک عبادت بودن اعمال است؛ اما مصداق هر چه باشد فرقی ندارد؛ اگرچه ابن‌عثیمین قائل به سنت بودن قرائت قرآن و نماز نیست؛ بلکه (همان‌طور که قبلاً بیان شد)، می‌گوید: این امور جایز است، نه اینکه بدعت و حرام باشد؛ ثانیاً وهابیت در مصداق اشکال کردند که قرائت قرآن در احادیث نیامده است؛ در حالی که قرآن خواندن خودش دعا و استغفار و تضرع است و چه چیزی بالاتر از قرآن است که انسان را به خداوند نزدیک بکند؛ چنان‌که قرطبی به این جواب

۱. ابن‌قیم، محمد بن ابی‌بکر، الروح فی الکلام علی أرواح الأموات والأحیاء بالدلائل من الکتاب والسنة، ص ۱۲۲.

۲. غماری، عبدالله بن صدیق، إتيان الصنعة فی تحقیق معنی البدعة، ص ۷۷.

۳. ابن‌قیم، محمد بن ابی‌بکر، الروح فی الکلام علی أرواح الأموات والأحیاء بالدلائل من الکتاب والسنة، ص ۱۲۲.

۴. همان، ص ۱۴۳.

۵. ابن‌عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی ورسائل، ج ۲، ص ۳۰۶.



اشاره کرده و در ادامه می‌آورد: خود قرآن خواندن نوعی صدقه است و به میت می‌رسد؛^۱ پس صدقه در لسان روایات فقط به امور مادی اطلاق نمی‌گردد؛ بلکه به امور معنوی مثل نماز، دعا، تسبیح و قرائت قرآن هم اطلاق می‌گردد و به میت می‌رسد؛ همان‌طور که در صحیح مسلم، صدقه به امور معنوی هم اطلاق شده است: «يُصْبِحُ عَلَى كُلِّ سَلَامَةٍ مِنْ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ، فَكُلُّ تَسْبِيحَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ، وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ، وَنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَيُجْزَى مِنْ ذَلِكَ رَكْعَتَانِ يَرْكَعُهُمَا مِنَ الصُّحَى»؛^۲ همچنین در سنن ابی داود آمده است: «يُصْبِحُ عَلَى كُلِّ سَلَامَةٍ مِنْ أَحَدِكُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ صَدَقَةٌ، فَلَهُ بِكُلِّ صَلَاةٍ صَدَقَةٌ، وَصِيَامٍ صَدَقَةٌ، وَحَجٍّ صَدَقَةٌ، وَتَسْبِيحٍ صَدَقَةٌ، وَتَكْبِيرٍ صَدَقَةٌ، وَتَحْمِيدٍ صَدَقَةٌ».^۳

نکته

قرطبی و سیوطی می‌گویند: با قرائت قرآن روی قبر، بعید نیست میت ثواب قرائت قرآن و هم ثواب شنیدن قرآن را ببرد؛^۴ در مقابل ابن تیمیه و ابن قیم و ابن عثیمین می‌گویند: اگرچه میت قرائت قرآن را می‌شنود و این شنیدن حق است، ولی به خاطر شنیدن ثواب نمی‌برد؛ چون عملش قطع شده است.^۵

دلیل سوم

البانی و صالح فوزان استدلال می‌کنند، کسی از سلف چنین کاری (هدیه ثواب قرائت و نماز به میت)، انجام نداده است؛ لذا انجام این امور بدعت و حرام است.^۶

۱. قرطبی، محمد بن أحمد، التذكرة بأحوال الموتى وأمور الآخرة، ص ۲۸۸.

۲. نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۹۸.

۳. ابوداود سجستانی، سلیمان، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۷.

۴. قرطبی، محمد بن أحمد، التذكرة بأحوال الموتى وأمور الآخرة، ص ۲۸۸؛ سیوطی، عبدالرحمن، شرح الصدور بشرح حال الموتى والقبور، ص ۳۰۴.

۵. ابن تیمیه، أحمد، اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة أصحاب الجحیم، ج ۲، ص ۲۶۲؛ ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۲۴، ص ۳۱۷؛ ابن قیم، محمّد بن أبی بکر، الروح فی الکلام علی أرواح الأموات والأحیاء بالدلائل من الکتاب والسنة، ص ۱۲؛ ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی ورسائل، ج ۲، ص ۳۰۷.

۶. البانی، محمد ناصرالدین، موسوعة العلامة الإمام مجدد العصر محمد ناصر الدین الألبانی، ج ۹، ص ۴۳؛ فوزان، صالح بن فوزان، مجموع فتاوی فضیلة الشیخ صالح بن فوزان، ج ۱، ص ۲۹۹.

جواب دلیل سوم

اولاً: در مقابل این ادعا، ابن قیم و سیوطی ادعا می‌کنند، جمهور سلف معتقدند، ثواب قرائت به میت می‌رسد؛^۱ چراکه خود ابن قیم می‌گوید: کسی که بگوید سلف چنین کاری نمی‌کردند، جاهل به این مطلب است و نمی‌داند که سلف چنین کاری می‌کردند؛^۲ همچنین، سلف حریص بودند که اعمال خیر را کتمان و مخفی بکنند و فقط خداوند را شاهد بر اعمال می‌گرفتند.^۳ ابن قدامه مقدسی حنبلی و کاسانی حنفی می‌گویند: دلیل ما بر رسیدن ثواب قرائت قرآن، علاوه بر روایات مذکور این است که اجماع مسلمانان بر این است که در هر عصری و در هر شهری، مسلمانان جمع می‌شوند و قرائت قرآن می‌کنند و ثوابش را به مردگان خویش هدیه می‌دهند و منع عقلی در این عمل وجود ندارد؛ چون اعطای ثواب از خداوند، فضل خداوند را می‌رساند؛^۴ همچنین ذهبی در ترجمه بسیاری از ائمه نقل می‌کند که مسلمانان، قرائت قرآن می‌کردند و به میت هدیه می‌دادند؛ همان‌طور که در ترجمه خطیب می‌گوید: چند ختم قرآن بر قبر خطیب و دیگران، ختم شده است.^۵ طبق این بیان مشخص می‌گردد، سلفی‌های معاصر (مثل البانی و بن‌باز و صالح فوزان)، حتی به کلام سلف خودشان (ابن تیمیه و ابن قیم) هم پای بند نبودند و فقط ادعای سلفی دارند؛ ولی در عمل، خلاف نظر سلف و سلفیه رفتار می‌کنند.

ثانیاً: عبدالله بن عمر که از صحابه و سلف است وصیت کرده، هنگام دفن بر سر قبرش قرآن تلاوت شود؛ چنان‌که ابن قیم می‌آورد: جماعتی از سلف وصیت کردند، هنگام دفن بر سر قبرشان قرآن تلاوت شود و عبدالله بن عمر چنین وصیتی کرد. احمد هم تا زمانی که اثر به او نرسیده انکار می‌کرد و می‌گفت: قرائت قرآن نزد قبر بدعت

۱. ابن قیم، محمد بن ابی بکر، الروح في الكلام على أرواح الأموات والأحياء بالدلائل من الكتاب والسنة، ص ۱۱۷؛ سیوطی، عبدالرحمن، شرح الصدور بشرح حال الموتى والقبور، ص ۳۰۲.

۲. ابن قیم، محمد بن ابی بکر، الروح في الكلام على أرواح الأموات والأحياء بالدلائل من الكتاب والسنة، ص ۱۴۳.
۳. همان، ص ۱۴۳.

۴. کاسانی، ابوبکر، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ۲، ص ۲۱۲؛ ابن قدامه، عبدالله بن أحمد، المغني لابن قدامة، ج ۲، ص ۴۲۴.

۵. سقاف، حسن بن علی، صحيح شرح العقيدة الطحاوية أو المنهج الصحيح في فهم عقيدة أهل السنة والجماعة مع التنقيح، ص ۵۰۲؛ ذهبی، محمد بن احمد، سير أعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۲۸۶ و ج ۱۹، ص ۱۱۳.



است؛ ولی بعدها از این نظریه برگشت و گفت قرائت قرآن بر سر قبر، هنگام دفن بدعت نیست.^۱ ابن قیم در ادامه می‌گوید: شافعی هم قرائت نزد قبر را جایز می‌داند؛ همچنین طبرانی از عبدالرحمن بن علاء بن لجلاج که از تابعین است روایت کرده که پدرم وصیت کرده است، بعد از دفن من، کنار سرم سوره بقره بخوان و من از پیامبر ﷺ شنیدم که چنین فرموده است.^۲ هیشمی در مجموع الزوائد این روایت را تصحیح کرده و می‌گوید: «رَوَاهُ الطَّبْرَانِيُّ فِي الْكَبِيرِ، وَرِجَالُهُ مُوثَّقُونَ».^۳ یحیی بن معین هم این روایت را صحیح می‌داند؛ چون از یحیی بن معین، از قرائت نزد قبر سوال شده و ایشان، همین روایت را به‌عنوان پاسخ داده است؛^۴ اگرچه ممکن است مراد علاء بن لجلاج از شنیدن از پیامبر ﷺ، شنیدن با واسطه‌ی عبدالله بن عمر باشد؛ چون در بعضی از نقل‌ها آمده که از ابن عمر نقل شده است؛^۵ همچنین علاء بن لجلاج از تابعین است و نمی‌تواند از پیامبر ﷺ مستقیم نقل روایت بکند؛ ولی آنچه مهم است اینکه، علاء بن لجلاج که از تابعین و سلف بوده، چنین وصیتی کرده است. خلال از شعبی نقل می‌کند: «كَانَتْ الْأَنْصَارُ إِذَا مَاتَ لَهُمُ الْمَيِّتُ اخْتَلَفُوا إِلَى قَبْرِهِ يَقْرَأُونَ عِنْدَهُ الْقُرْآنَ».^۶ انصار سر قبر میت می‌رفتند و قرائت قرآن می‌کردند؛ اینکه صالح فوزان می‌گوید: سلف چنین کاری نکرده است، در حالی که ابن عمر و انصار خودشان از صحابه و سلف هستند و علاء بن لجلاج که از تابعین است چنین وصیتی کرده و احمد بن حنبل هم که از سلف است آن را جایز دانسته، معلوم می‌گردد، مصداق کلام ابن قیم (کسی که بگوید سلف چنین کاری نمی‌کردند، جاهل به این مطلب است) امثال صالح فوزان هستند. برای مطالعه بیشتر می‌توان به کتاب القراءة عند القبور، اثر ابوبکر خلال حنبلی رجوع کرد؛ چراکه ابوبکر خلال از صحابه و تابعین و ائمه حدیث نقل می‌کند که آنها نزد قبر، قرائت قرآن داشتند.

ثالثاً: طبرانی از پیامبر ﷺ روایت کرده است: «إِذَا مَاتَ أَحَدُكُمْ فَلَا تَحْسِبُوهُ، وَأَسْرِعُوا

۱. ابن قیم، محمد بن ابی بکر، الروح فی الکلام علی أرواح الأموات والأحياء بالدلائل من الكتاب والسنة، ص ۱۰.

۲. طبرانی، سلیمان، المعجم الكبير، ج ۱۹، ص ۲۲۰.

۳. هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ۳، ص ۴۴.

۴. مزی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ج ۲۲، ص ۵۳۸-۵۳۷.

۵. همان.

۶. خلال حنبلی، أحمد بن محمد، القراءة عند القبور، ص ۸۹.

بِهِ إِلَى قَبْرِهِ، وَلِيُقْرَأَ عِنْدَ رَأْسِهِ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ، وَعِنْدَ رِجْلَيْهِ بِخَاتِمَةِ الْبَقْرَةِ فِي قَبْرِهِ».^۱ در این روایت، پیامبر ﷺ دستور می‌دهد، بعد از دفن، برای میت قرآن (اول و آخر سوره بقره) خوانده شود. سند این روایت حسن می‌باشد؛ چنان‌که نووی در اذکار^۲ و ابن حجر عسقلانی در فتح الباری^۳ و امیر صنعانی در سبل السلام^۴ و حسن صنعانی در فتح الغفار^۵ و محمود خطاب سبکی در شرح سنن ابی داود^۶ و محمد خضر شنقیطی در کوثر المعانی^۷ و حسن سقاف شافعی در صحیح شرح العقيدة الطحاوية^۸ این روایت را حسن و مرفوع^۹ دانستند. دارقطنی از پیامبر ﷺ روایت کرده است: «أَنْ رَجُلًا سَأَلَهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ فَقَالَ: كَانَ لِي أَبَوَانِ أُبْرَهُمَا حَالَ حَيَاتِهِمَا فَكَيْفَ لِي بِيْرَهُمَا بَعْدَ مَوْتِهِمَا؛ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنْ مِنْ الْبِرِّ بَعْدَ الْمَوْتِ أَنْ تَصَلِّيَ لَهُمَا مَعَ صَلَاتِكَ وَأَنْ تَصُومَ لَهُمَا مَعَ صَوْمِكَ».^{۱۰} در این روایت، پیامبر ﷺ تصریح می‌کند که نماز برای میت جایز است؛ همچنین احمد و نسائی و ابن حبان و ابی داود از پیامبر ﷺ روایت کردند: «أَقْرَأُوا عَلَيَّ مَوْتَاكُمْ يَس»؛^{۱۱} این روایت را ابن حبان تصحیح کرده و ابی داود هم تصحیح کرده است؛ چنان‌که قبلاً بیان شد، سکوت ابی داود یعنی روایت نزدش صحیح است؛ پس این روایت از نظر سند ایرادی ندارد؛ ولی بعضی اشکال کردند که این روایت «أَقْرَأُوا عَلَيَّ مَوْتَاكُمْ يَس»، برای کسانی است در حال احتضار و موت هستند؛ یعنی

۱. طبرانی، سلیمان، المعجم الكبير، ج ۱۲، ص ۴۴۴.

۲. نووی، یحیی بن شرف، الأذکار للنووي، ص ۲۸۹.

۳. ابن حجر عسقلانی، احمد، فتح الباري، ج ۳، ص ۱۸۴.

۴. امیر صنعانی، محمد بن اسماعیل، سبل السلام، ج ۱، ص ۴۹۰.

۵. رباعی صنعانی، حسن بن احمد، فتح الغفار الجامع لأحكام سنة نبينا المختار، ج ۲، ص ۶۹۵.

۶. خطاب سبکی، محمود، المنهل العذب المورود شرح سنن الإمام أبي داود، ج ۹، ص ۱۳.

۷. شنقیطی، محمد، کوثر المعاني الدراري في كشف خبايا صحيح البخاري، ج ۱۲، ص ۷.

۸. سقاف، حسن بن علی، صحیح شرح العقيدة الطحاوية أو المنهج الصحيح في فهم عقيدة أهل السنة والجماعة مع التنقيح، ص ۵۰۱.

۹. روایتی که از پیامبر ﷺ نقل شود را روایت مرفوع (رفع الی النبی) می‌گویند.

۱۰. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۲۴، ص ۳۰۸؛ زیعلی، عثمان بن علی، تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق وحاشیة الشلیبی، ج ۲، ص ۸۴؛ ابن عابدین، محمد امین، رد المحتار علی الدر المختار، ج ۲، ص ۵۶۹؛ شنقیطی، محمد، کوثر المعاني الدراري في كشف خبايا صحيح البخاري، ج ۵، ص ۱۴۵.

۱۱. ابن حنبل شیبانی، احمد، مسند، ج ۳۳، ص ۴۱۷؛ نسائی، احمد بن شعیب، السنن الكبرى، ج ۹، ص ۳۹۴؛ ابن حبان، محمد، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، ج ۷، ص ۲۶۷؛ ابوداود سجستانی، سلیمان، سنن ابی داود، ج ۳، ص ۱۹۱.



برای آنها قرائت قرآن (یس) می‌شود؛ نه کسانی که مرده هستند. در پاسخ گفته می‌شود: اولاً بعضی از علما (مثل ابن‌رفعه و ابن‌عبدالواحد مقدسی) گفته‌اند: مراد از این روایت قرائت قرآن نزد قبر و بعد از موت است؛ یا بعضی دیگر (مثل اصحاب شافعی و محب طبری و غزالی و عبدالحق و مناوی و احمد صدیق غماری) می‌گویند که این روایت، حال احتضار و هم بعد از موت (نزد قبر) را شامل می‌شود؛^۱ ثانیاً، "موتی"، حمل بر معنای حقیقی می‌شود؛ زیرا زمانی که امر، دایر بین معنای حقیقی و مجازی باشد، معنای حقیقی مقدم است؛ مگر اینکه قرینه صارفه باشد؛ در این روایت، قرینه صارفه وجود ندارد؛ لذا حمل بر معنای حقیقی می‌شود که مراد از موتاکم مرده است، نه اینکه مراد محتضر باشد.

اشکال

البانی می‌گوید: اگر اثری از ابن‌عمر وارد شده که وصیت کرده، هنگام دفن بر قبرش قرآن خوانده شود، بر فرض که سندش صحیح باشد، بر قرائت هنگام دفن حمل می‌شود؛ نه اینکه مطلقاً بر سر قبر، قرآن قرائت شود؛^۲ بن‌باز می‌گوید: اکثر اهل علم، قرائت قرآن را برای میت جایز می‌دانند؛ ولی افضل نزد من جایز نبودن است؛ چون در این باره، نقلی از سلف صالح نشده است.^۳ او در جایی دیگر می‌گوید: این وصیت ابن-عمر، از اجتهاد او بوده و همچنین وقتی از بعضی از سلف نقل می‌شود نیز، از باب اجتهاد آنها است و چنین چیزی از پیامبر ﷺ وارد نشده است.^۴

جواب

اولاً: روایاتی از خود پیامبر ﷺ نقل شده (چنان‌که بیان شد)، روایات حسن یا صحیح هستند.

۱. سیوطی، عبدالرحمن، شرح الصدور بشرح حال الموتی والقبور، ص ۳۰۴؛ اشبیلی، عبدالحق، العاقبة فی ذکر الموت، ص ۱۸۴؛ مناوی، زین‌الدین محمد، فیض القدر شرح الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۶۷؛ غماری، أحمد بن صدیق، المداوی لعلل الجامع الصغیر وشرحی المناوی، ج ۲، ص ۱۳۳-۱۳۴؛ صدیقی شافعی، محمد علی، دلیل الفالحین لطرق ریاض الصالحین، ج ۶، ص ۳۹۲.

۲. البانی، محمد ناصرالدین، موسوعة العلامة الإمام مجدد العصر محمد ناصر الدین الألبانی، ج ۲، ص ۴۶۷.

۳. بن‌باز، عبدالعزیز، فتاوی نور علی الدرر، ج ۱۴، ص ۲۶۷.

۴. همان، ص ۲۵۰ و ۲۰۵.

ثانیا: علاوه بر ابن عمر، جماعتی از انصار هم چنین کاری انجام می دادند (یعنی سر قبر می رفتند و قرآن قرائت می کردند)؛ همان طور که بیان شد و حتی ابن تیمیه می آورد: بعضی از مهاجرین هم، چنین کاری می کردند.^۱

ثالثا: تناقضاتی در کلام بن باز دیده می شود؛ چراکه یک بار می نویسد: سلف چنین کاری نکرده و وقتی از سلف آورده می شود، در جای دیگر می گوید: این از اجتهادات سلف (ابن عمر و دیگران) است؛ یعنی سلفی چون ابن عمر و دیگران کار بدعی انجام می دهند و این اهانت به سلف (ابن عمر) است؛ در حالی که (از دیدگاه اهل سنت)، در بین صحابه شدیدترین کسی که به سنت پیامبر ﷺ پایبند است، ابن عمر می باشد و در بین ائمه ی اهل سنت، احمد بن حنبل می باشد؛ چنان که عبدالله بن صدیق غماری به این نکته اشاره می کند؛^۲ پس بن باز و صالح فوزان و البانی و دیگران، فقط ادعای سلف دارند، ولی در عمل خلاف سلف رفتار می کنند.

رابعاً: دلیلی از قرآن و سنت ارائه نشده که قرائت قرآن برای میت حرام است؛ حتی بر فرض که سلف چنین کاری نکرده باشند (سنت ترکیه)، دال بر حرمت آن فعل نیست و فتوا به حرمت قرائت قرآن برای میت، خودش فتوای بدعی شمرده می شود؛ چون دلیلی برای این فتوا ارائه نشده است.

نتیجه

در مجموع مطالبی که در باب نفع بردن اموات از ثواب تمام اعمال زنده ها از دیدگاه اهل سنت، سلفیه و وهابیت بیان شد، می توان به این نتیجه رسید، علمای اهل سنت (اعم از شافعیه، مالکیه، حنفیه و حنابله)، اتفاق دارند که قرائت قرآن بعد از دفن، سنت و مستحب است؛ چنان که سیوطی ادعای اتفاق کرده و نووی هم ادعای اتفاق در بین علمای شوافع کرده است؛ اگرچه بعضی از شوافع و مالکی ها هدیه ثواب قرائت قرآن و نماز را قبول ندارند؛ ولی جمهور سلف و ائمه ی اهل سنت (ابوحنیفه، مالک، احمد) و بسیاری از علمای اهل سنت و حتی علمای سلفی مانند ابن تیمیه، ابن قیم، ابن عثیمین و دیگران، هدیه ثواب اعمال اعم از قرائت قرآن و نماز و... را به اموات، جایز و سنت می -

۱. ابن تیمیه، أحمد، اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة أصحاب الجحیم، ج ۲، ص ۲۶۴.

۲. غماری، عبدالله بن صدیق، إتقان الصنعة في تحقیق معنی البدعة، ص ۸۳.



دانند (اگرچه قرآن خواندن کنار قبر، نزد ابن‌عشیمین بدعت است). شوکانی قائل است که نماز غیر فرزند میت، برای میت جایز نیست؛ ولی نماز فرزند میت برای میت جایز است و قرائت قرآن برای میت جایز نیست؛ مگر اینکه میت به خواندن قرآن وصیت کند؛ در این صورت، قرائت قرآن جایز است؛ در مقابل، قول جمهور سلف و ائمه اهل سنت، برخی از سلفی‌ها و وهابیت معاصر مانند (البانی، صالح فوزان و بن‌باز) به‌طور مطلق (حتی بعد دفن)، قرائت قرآن و نماز و دیگر اعمال را برای میت قبول ندارند و این اعمال، اعمال بدعی است. مخالفین در این مسئله، ادله‌ای ذکر کردند که علمای اهل سنت و برخی از سلفیه، پاسخ این ادله را دادند و حتی ابن‌قیم می‌نویسد: کسی که بگوید سلف چنین کاری نمی‌کردند، جاهل به این مطلب است و نمی‌داند که سلف چنین کاری می‌کردند و حتی ابن‌عمر وصیت کرده، هنگام دفن بر سر قبرش قرآن تلاوت شود.



منابع

١. قرآن كريم.
٢. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، مجموع فتاوى العلامة عبدالعزيز بن باز، تحقيق: محمد بن سعد الشويعر، بي جا: بي نا، بي تا.
٣. الباني، محمد ناصرالدين، موسوعة العلامة الإمام مجدد العصر محمد ناصرالدين الألباني، محقق: شادي بن محمد بن سالم آل نعمان، صنعا: مركز النعمان للبحوث والدراسات الإسلامية وتحقيق التراث و الترجمة، چاپ اول، ١٤٣١ق.
٤. قرطبي، محمد بن أحمد، التذكرة بأحوال الموتى وأمور الآخرة، محقق: دكتور صادق بن محمد، رياض: مكتبة دار المنهاج للنشر والتوزيع، چاپ اول، ١٤٢٥ق.
٥. سيوطي، عبدالرحمن، شرح الصدور بشرح حال الموتى والقبور، تحقيق: عبدالمجيد طعمة حليبي، لبنان: دارالمعرفة، چاپ اول، ١٤١٧ق.
٦. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، فتاوى نور على الدرب، تحقيق: دكتور محمد بن سعد الشويعر، بي جا: بي نا، بي تا.
٧. ابن عثيمين، محمد بن صالح، مجموع فتاوى ورسائل فضيلة الشيخ محمد بن صالح العثيمين، جمع و ترتيب: فهد بن ناصر بن إبراهيم السلیمان، رياض: دارالوطن - دارالثريا، ١٤١٣ق.
٨. اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، فتاوى اللجنة الدائمة - المجموعة الأولى، جمع و ترتيب: أحمد بن عبدالرزاق الدويش، رياض: رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء - الإدارة العامة للطبع، بي تا.
٩. شوکانی، محمد بن علی، الفتح الرباني من فتاوى الإمام الشوكاني، صنعا: مكتبة الجيل الجديد، بي تا.
١٠. نيشابوری، مسلم، صحيح مسلم، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، بي تا.
١١. ابن قيم جوزيه، محمد بن أبي بكر، الروح في الكلام على أرواح الأموات والأحياء بالدلائل من الكتاب والسنة، بيروت: دارالكتب العلمية، بي تا.
١٢. ابن حنبل شيباني، أحمد، مسند أحمد بن حنبل، تحقيق: شعيب الأرنؤوط و عادل مرشد و ديگران، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢١ق.
١٣. فوزان، صالح بن فوزان، الرد على فيصل مراد علي رضا فيما كتبه عن شأن الأموات وأحوالهم، تحقيق: الإمام عبدالعزيز بن باز، رياض: دارالعاصمة، چاپ دوم، ١٤١٩ق.



١٤. ابن تيمية، احمد بن عبدالحليم، **مجموع الفتاوى**، محقق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدينه نويه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ١٤١٦ق.
١٥. ابن تيمية حراني، أحمد، **اقتضاء الصراط المستقيم لمخالفة أصحاب الجحيم**، تحقيق: ناصر عبدالكريم العقل، بيروت: دار عالم الكتب، چاپ هفتم، ١٤١٩ق.
١٦. شوکانی، محمد بن علی، **نیل الأوطار**، تحقيق: عصام الدين الصبايطي، مصر: دارالحديث، چاپ اول، ١٤١٣ق.
١٧. مناوی، زين الدين محمد، **فيض القدير شرح الجامع الصغير**، مصر: المكتبة التجارية الكبرى، چاپ اول، ١٣٥٦ق.
١٨. قارى، على بن محمد، **مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح**، بيروت: دارالفكر، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
١٩. مزى، يوسف بن عبدالرحمن، **تهذيب الكمال في أسماء الرجال**، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٠٠ق.
٢٠. ابن حجر عسقلانى، احمد، **فتح البارى شرح صحيح البخاري**، بيروت: دارالمعرفة، ١٣٧٩ق.
٢١. ابن عثيمين، محمد بن صالح، **فتاوى نور على الدرب**، عربستان: موسسه الشيخ محمد بن صالح ابن عثيمين الخيرية، چاپ اول، ١٤٢٧ق.
٢٢. ابن قدامه، عبدالله بن أحمد، **المغني لابن قدامة**، مصر: مكتبة القاهرة، ١٣٨٨ق.
٢٣. كاسانى، أبو بكر بن مسعود، **بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع**، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ دوم، ١٤٠٦ق.
٢٤. ابن همام، محمد بن عبدالواحد، **فتح القدير**، بيروت: دارالفكر، بی تا.
٢٥. ابن عابدين، محمد امين بن عمر، **رد المحتار على الدر المختار**، بيروت: دارالفكر، چاپ دوم، ١٤١٢ق.
٢٦. ابن نجيم، زين الدين بن ابراهيم، **البحر الرائق شرح كنز الدقائق**، بی جا: دارالكتاب الإسلامی، چاپ دوم، بی تا.
٢٧. غمارى، عبدالله بن صديق، **إتقان الصنعة في تحقيق معنى البدعة**، بی جا: بی تا. www.safeena.org
٢٨. طبرى، محمد بن جرير، **جامع البيان في تأويل القرآن**، تحقيق: أحمد محمد شاکر، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
٢٩. قرطبي، محمد، **الجامع لأحكام القرآن**، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، قاهره: دارالكتب المصرية، چاپ دوم، ١٣٨٤ق.
٣٠. ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن، **فتاوى ابن الصلاح**، محقق: موفق عبدالله القادر، بيروت:

- مكتبة العلوم والحكم، عالم الكتب، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۳۱. ابوداود سجستاني، سليمان، سنن أبي داود، تحقيق: محمد محيي الدين عبدالحميد، بيروت: المكتبة العصرية، بی تا.
۳۲. سقاف، حسن بن علي، صحيح شرح العقيدة الطحاوية أو المنهج الصحيح في فهم عقيدة أهل السنة والجماعة مع التنقيح، اردن: دار الإمام النووي، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۳۳. ذهبی، محمد بن احمد، سير أعلام النبلاء، تحقيق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ سوم، ۱۴۰۵ق.
۳۴. هيثمي، علي بن ابي بكر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، تحقيق: حسام الدين القدسي، قاهره: مكتبة القدسي، ۱۴۱۴ق.
۳۵. خلال حنبلي، أحمد بن محمد، القراءة عند القبور، تحقيق: دكتور يحيى مراد، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۳۶. طبراني، سليمان، المعجم الكبير، تحقيق: حمدى بن عبدالمجيد السلفي، قاهره: مكتبة ابن تيمية، چاپ دوم، بی تا.
۳۷. امير صنعاني، محمد بن إسماعيل، سبل السلام، مصر: دارالحديث، بی تا.
۳۸. رباعي صنعاني، حسن بن أحمد، فتح الغفار الجامع لأحكام سنة نبينا المختار، محقق: مجموعة بإشراف الشيخ علي العمران، مكة: دار عالم الفوائد، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۳۹. خطاب سبكي، محمود، المنهل العذب المورود شرح سنن الإمام أبي داود، تحقيق: أمين محمود محمد خطاب، قاهره: مطبعة الاستقامة، چاپ اول، ۱۳۵۳ق.
۴۰. شنيطى، محمد، كوثر المعاني الدراري في كشف خبايا صحيح البخاري، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۴۱. زيعلى، عثمان بن علي، تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشية الشُّلبي، قاهره: المطبعة الكبرى الأميرية بولاق، چاپ اول، ۱۳۱۳ق.
۴۲. نسائي، أحمد بن شعيب، السنن الكبرى، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۴۳. ابن حبان، محمد، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۴۴. اشبيلى، عبدالحق بن خراط، العاقبة في ذكر الموت، محقق: خضر محمد خضر، كويت: مكتبة دارالأقصى، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۴۵. غمارى، أحمد بن صديق، المداوي لعلل الجامع الصغير وشرحي المناوي، قاهره: دارالكتبي، چاپ اول، ۱۹۹۶م.
۴۶. صديقى شافعى، علي بن محمد، دليل الفالحين لطرق رياض الصالحين، بيروت: دارالمعرفة



- للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ چهارم، ۱۴۲۵ق.
۴۷. نووی، یحیی بن شرف، الأذکار، تحقیق: عبدالقادر الأرئوط، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۴ق.
۴۸. آلوسی، نعمان بن محمود، الآیات البینات فی عدم سماع الأموات علی مذهب الحنفیة السادات، محقق: محمد ناصرالدین الألبانی، بی جا: چاپ دوم، ۱۳۹۹ق.

